

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهپایان**

سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۷  
صفحه ۵۳ تا ۷۲

## واکاوی دو انقلاب ایران و مصر در چشم‌اندازی مقایسه‌ای

علی مرشدی زاد/ دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

morshedizad@shahed.ac.ir

سمیرا محمدی / کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

Samiramohammadi88@yahoo.Com

### چکیده

برای بررسی انقلاب به فرایند شکل‌گیری آن انقلاب می‌پردازند که شامل سه مرحله: زمینه‌ها و بستریهای تاریخی پیش از انقلاب، دوران اوج‌گیری نهضت و کسب پیروزی و نهایتاً دوران منازعات پس از پیروزی و مرحله تثبیت انقلابی هست که هرکدام از این مراحل دارای ویژگی‌های مختص خود می‌باشد. در این پژوهش تحولات انقلاب مصر به عنوان یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های عربی با انقلاب اسلامی ایران در هر کدام از این سه مرحله بر اساس نظریه کرین برینتون مورد بررسی مقایسه‌ای جزء به جزء قرار گرفته است. روش این پژوهش مقایسه‌ای می‌باشد و سؤالی که در چارچوب نظریه کرین برینتون در این پژوهش مطرح شده این می‌باشد که دو انقلاب ایران و مصر چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی در شرایط پیش از انقلاب، وقوع انقلاب و مراحل پس از آن دارند؟ انقلاب ایران و مصر از لحاظ اقتصادی با نظر برینتون همخوانی زیادی نداشته‌اند ولی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی شباهت‌هایی با نظر برینتون مشاهده می‌شود و پس از انقلاب، حکومت مصر اکثر دوره‌های بعد از انقلاب مد نظر برینتون را طی کرده است ولی ایران در دوره حاکمیت میانه‌روها متوقف شده است.

**کلیدواژه:** انقلاب ایران، انقلاب مصر، تئوری کرین برینتون، حاکمیت، سرکوب سیاسی

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۱۹

### مقدمه

انقلاب‌ها به عنوان وقایع مهم و شگرف اجتماعی، عمدتاً از دو دیدگاه سیاسی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در دیدگاه سیاسی انقلاب به معنای تغییر حکومت و تغییر ساختار سیاسی است. بر اساس این دیدگاه، انقلاب‌ها دارای شفافبخش برای رهایی مردمان ستمدیده از چنگال نظام‌های مستبد حاکم یا سلطه خارجی در نظر گرفته می‌شوند. در دیدگاه جامعه‌شناختی، انقلاب علاوه بر تغییر نظام سیاسی، تغییر نهادها، ساختار و مناسبات اجتماعی و جایگزینی طبقه جدید به جای طبقه حاکم را نیز در بر می‌گیرد. انقلاب‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی - سیاسی، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و درباره چرایی و چگونگی وقوع آن دیدگاه‌های فراوانی ارائه شده است. ماهیت، نوع انقلاب، رژیم سیاسی و ماهیت متفاوت جوامع سبب شده است که این دیدگاه‌ها متنوع باشند. انقلاب‌ها معمولاً به ندرت رخ می‌دهند با این حال آنچه وقوع انقلاب را گریزناپذیر می‌سازد، عوامل متعددی است که در اثر تحولات و شرایط خاص در کنار هم قرار گرفته و با یکدیگر ترکیب می‌شوند و شرایط لازم و کافی برای وقوع انقلاب را پدید می‌آورند.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان یکی از وقایع بسیار مهم و تأثیرگذار در قرن بیستم به شمار می‌رود. انقلابی که نه تنها از لحاظ تئوری با آنچه به عنوان چارچوب‌های ضروری برای انقلاب شناخته می‌شد، متفاوت بود؛ بلکه از نظر حوزه جغرافیایی که در آن رخ داده بود نیز قابل پیش‌بینی نبود. خاص‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران نیز ویژگی دینی آن بود که این انقلاب را از سایر انقلاب‌ها متفاوت می‌سازد. در نتیجه انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک تحول شگرف در حوزه انقلاب‌ها و حتی نگرش‌های اصلاحی نسبت به وضع موجود در جهان بازتاب‌های مختلفی را در عرصه بین‌المللی از خود به جا گذاشته است که در سطوح مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

پس از انقلاب اسلامی، بخشی مهمی از جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ میلادی دچار تحولات بسیار خاص و سریعی شده است، به طوری که اکثر کشورهای عربی منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. این تحولات در کشورهای مختلف شکل‌های متفاوتی به خود گرفته‌اند ولی از بین آن‌ها، اتفاقاتی که در کشور مصر اتفاق افتاد از نظر اندیشمندان سیاسی در قالب یک انقلاب کامل قرار می‌گیرد. در ژانویه ۲۰۱۱ برخلاف بسیاری از تصورات رایج، یک خیزش عمومی و فراگیر در مصر شروع شد و با استمرار آن، حکومت

مبارک سقوط کرد. در حالی که سایر تحولات در کشورهای دیگر عربی هم چنان در مراحل گذار هستند و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار آنها باشد این انقلاب به مرحله‌ای از ثبات نسبی رسیده است. اندیشمندان مصری نیز تحولی که در این کشور رخ داده است را به عنوان «انقلاب ۲۵ ژانویه» می‌شناسند و آن را به لحاظ اهمیت و تاثیرگذاری همسنگ کودتای ۱۹۵۲ مصر می‌انگارند. آن زمان، کودتا رخ داد اما آثار آن کمتر از یک انقلاب نبود، زیرا که رژیم سلطنتی جای خود را به یک رژیم جمهوری داد.

در این مقاله تلاش شده است تا انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر با یکدیگر مقایسه شوند. بدین منظور کوشش شد تا از یک چارچوب نظری جامع استفاده شود تا بتوان این مقایسه را به انجام رساند. لذا از نظریه انقلاب کرین بریتون استفاده گردید. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا علل مؤثر در وقوع انقلاب اسلامی و مراحل آن را در یک چشم‌انداز مقایسه‌ای با علل انقلاب ۲۵ ژانویه مصر مورد واکاوی قرار دهد و به این پرسش پاسخ دهد که وجوه تفاوت و تشابه انقلاب ایران و انقلاب مصر چه مسائلی هستند؟

#### ۱. چارچوب نظری: نظریه انقلاب کرین بریتون

کرین بریتون در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» به مقایسه چهار انقلاب بزرگ دنیا (فرانسه، روسیه، انگلستان و امریکا) می‌پردازد. او می‌گوید انقلاب‌ها در دوره‌ای از پیشرفت اقتصادی در کل جامعه شکل می‌گیرند. حکومت به دلیل بحران مالی و ضعف ساختاری ابتدایی‌ترین وظیفه‌اش که اعمال حاکمیت است، عاجز می‌ماند. کم‌کم روشنفکران تغییر جهت می‌دهند و دست از بیعت با حکومت برمی‌دارند و به مردم رو می‌آورند. گروه‌های ناراضی و معترض تشکیل می‌شود. ابتدا حرکت این‌ها صنفی است ولی بعد به اعتراضات سیاسی تبدیل می‌شود. گرایش به پذیرش ایدئولوژی جدید ایجاد می‌شود و اعتراضات جمعی و حرکت‌های سیاسی سازمان داده شده در جهت براندازی حکومت شکل می‌گیرد. در این مرحله سیاست سرکوبگرانه حکومت تأثیری نمی‌گذارد. با وقوع یک رویداد مهم که منجر به بسیج می‌شود، انقلاب آغاز می‌شود. نهایتاً با از هم پاشیدن قدرت قهر، نظام سرنگون می‌شود. بریتون برای انقلاب پنج مرحله را تشخیص داده است. این مراحل شامل: مرحله پیش انقلابی، نخستین مرحله انقلاب، حاکمیت میانه‌روها، حاکمیت تندروها و در آخر مرحله ترمیدور یا حاکمیت عمل‌گرایان. به نظر وی قدرت همواره از دست محافظه‌کاران (نظام سیاسی قبل از سرنگونی) به میانه‌روها و سپس به رادیکال‌ها یا تندروها می‌رسد، و سرانجام در دست عمل‌گرایان تحکیم می‌گردد. بریتون با رویکردی

زیست‌شناختی و متأثر از مباحث «آسیب‌شناسی»، انقلاب را به بیماری و تب تشبیه می‌کند. گرچه بریتون این مراحل را از هم تفکیک می‌کند ولی مدعی نیست که مرزبندی دقیقی بین این مراحل وجود دارد. به علاوه، هدف بریتون توصیف مراحل انقلاب است و قصد تبیین وقوع انقلاب یا حتی قصد تبیین علل تحول آن را ندارد (پناهی، ۱۳۹۱: ۴۳۱).

### ۱-۱. مقدمات انقلاب و وضع نظام‌های حاکم پیشین

با آنکه در انقلاب‌های مورد بحث، یک روز معین و واقعه خاصی را (مانند شورش‌های خیابانی پتروگراد در مارس ۱۳۱۷ یا فتح زندان باستانی «یا باستیل» در ۱۴ ژوئیه ۱۷۱۳) به عنوان روز انقلاب یا مبدأ انقلاب انتخاب کرده و جشن می‌گیرند ولی آغاز انقلاب‌ها حتی برای خود انقلابیون همیشه روشن نیست؛ انقلاب چه بسا سال‌ها در نطفه زندگی کند و نوسان‌ها داشته باشد. بذر انقلاب‌ها به دست هواخواهان دگرگونی پاشیده می‌شود و با مهارت لازم باغبانی می‌گردد، بدون آنکه عملی خلاف نیروهای طبیعت یا به شکل تصنعی و تحمیلی صورت گرفته، شرایط آب و خاک و هوا مساعد نبوده باشد و میوه‌های نهایی در اثر همکاری و هم‌آهنگی میان انسان و طبیعت به دست نیاید. وجه مشترک دیگر در مراحل اولیه انقلاب‌های چهارگانه، نقش زور می‌باشد (بریتون، ۱۳۶۶: ۳۱). همه جا ظلم زمامداران بی‌کفایت عامل مؤثر در برانگیختن بوده، انقلاب‌ها در نخستین مراحل مربوطه موفق شده‌اند و تنها زمانی از صورت بحث گلایه به حالت انقلابی واقعی درآمدند که شورشیان، نیروهای مسلح حکومت را درنوردیدند و بر آن پیروز گشتند. هیچ حکومتی در برابر حمله‌کنندگان خویش سقوط نمی‌کند مگر آنکه نظارت بر نیروهای مسلح خود یا عمل مؤثر این نیروها را از کف داده باشد.

### ۱-۱-۱. مرحله پیشا انقلابی

تشخیص نخستین مراحل انقلاب بسیار دشوار است و نمی‌توان در این زمینه به یک فرمول، نسخه یا قواعد اکتفا کرد. نشانه‌های انقلاب چنان متفاوت‌اند که به هیچ روی نمی‌توان به سادگی آن‌ها را در یک الگو ترکیب کرد. بریتون بر این نظر می‌باشد که در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی و بیعت روشنفکران و ناهمسویی طبقاتی اگر حکومت توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه را نداشته باشد زمینه‌های انقلاب را فراهم می‌آورد (بریتون، ۱۳۶۶: ۳۱).

جدول ۱- مراحل پس از انقلاب از دیدگاه برینتون (منبع: نگارنده)

ویژگی‌ها	مراحل
واکنش حکومت: توسل به زور؛ حرکت مردم: خودانگیخته و با سرنگونی حکومت پیشین انجام می‌پذیرد.	ماه‌عسل
سعی در کشاندن جامعه به قانونمندی؛ عدم درک خواست‌های مردم انقلابی؛ مخالفت با انقلابیون تندرو.	حاکمیت میانه‌روها
پس از قطعی شدن انقلاب شکل می‌گیرد، دو گروه از مردم تقاضای فرمان‌برداری دارند.	حاکمیت دوگانه
با از بین بردن حکومت میانه‌روها؛ در عرصه اقتصاد رادیکال عمل می‌کنند؛ در این دوره خشونت عادی تلقی می‌شود.	حاکمیت انقلابیون
بازگشت در نتیجه تندروی‌های عصر تندروها؛ یک نقاهت پس از فروکش انقلابی‌گری.	ترمیدور یا دوره عمل‌گرایان

## ۲. شرایط اقتصادی و اجتماعی پیشا انقلابی در ایران و مصر

### ۲-۱. ایران

اقتصاد دولت ایران بر خلاف نظریه برینتون اوضاع نسبتاً مطلوبی داشت. اگر از زبان آمار و ارقام نگاه کنیم درآمد نفتی در فاصله زمانی ۱۳۴۲ از ۵۵۵ میلیون دلار به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ رسید. افزایش درآمدهای نفتی در خلال سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۲ باعث به وجود آمدن اقتصاد رانتیر و استقلال دولت از طبقات گردید (کشاورز شگری، ۱۳۸۷: ۵۹). اما در اثر کاهش درآمدهای نفتی با شروع بحران جهانی ۱۹۷۳ رژیم پهلوی با فزونی تقاضا بر عرضه، با بالا رفتن نرخ تورم روبه‌رو شد که در این برهه زمانی دولت با اتخاذ سیاست‌های افزایشی مالیات، بر نارضایتی عمومی افزود (معدل، ۱۳۸۲: ۲۵). در مجموع یک سری عوامل اقتصادی مانند رشد قدرت مالی و اقتصادی، نوسازی و مداخله‌گری دولت و عدم اجماع جامعه و نخبگان بر سر لزوم و شیوه‌های دستیابی به توسعه، عدم انباشت سرمایه، عدم رشد کیفی تولیدات، افزایش تعداد کارگران صنعتی و عمرانی، رشد سرسام‌آور بخش خدمات، گسترش فقر نسبی در جامعه، توزیع ناعادلانه درآمدها و فاصله

بسیار زیاد طبقاتی و در نهایت بحران اقتصادی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۴ و در نتیجه آن تورم، بیکاری، بیشتر شدن فاصله طبقاتی، بازداشت هزاران مغازه‌دار، بازاری و سرمایه‌داران صنعتی همگی نشان‌دهنده شرایط نابسامان اقتصادی ایران در زمان انقلاب اسلامی می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۳۲-۱۳۰). بنابراین وضع اقتصادی در سال‌های انتهایی حکومت پهلوی با، با نظریه بریتون همخوانی دارد.

## ۲-۲. مصر

از دوره‌ای که انور سادات اقدام به اتخاذ سیاست اقتصادی درهای باز نمود سطح اقتصادی زندگی در جامعه مصر به صورت چشمگیری پایین آمد. «انتفاضه نان» به ناآرامی‌هایی گفته می‌شود که پس از حذف یارانه کالاهای اساسی به دلیل پیشنهاد بانک جهانی و در مسیر ادغام مصر در اقتصاد جهانی ایجاد شد. انتفاضه نان به همراه افزایش نارضایتی‌های ناشی از صلح با اسرائیل به کاهش شتاب آزادسازی اقتصادی انجامید. اما این جریان تا زمان انقلاب هیچ‌گاه متوقف نگردید. و به ویژه در سال‌های منتهی به انقلاب نیز روند اقتصادی نئولیبرال با شدت بیشتری ادامه یافت. این اصلاحات باعث خشنودی کشورهای غربی می‌شد و نمودارهای رشد قابل توجهی ایجاد می‌کرد. اما این روند زمانی اکثریت مصری‌ها را شامل می‌شد که فقر بسیار رشد یافته بود و زیرساخت‌ها در حال ویرانی بود (lynch' 2011: 33). سیاست آزادسازی اقتصادی در جامعه‌هایی که نظارت و موازنه‌ها وجود ندارد به گسترش فساد در سطوح نزدیک به حاکمان می‌انجامد. مصر هم دچار همین مشکل شده بود. بخش خصوصی در سال ۱۹۹۱ سهم ۳۰ درصدی از GDP را داشت در حالی که این عدد در سال ۲۰۰۶ به ۸۰ درصد افزایش یافت. اما چون این افزایش خصوصی سازی در شرایط فقدان حکومت و عدم نظارت بر دستمزدها انجام می‌گرفت از یک سو باعث بالا رفتن شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شد و از دیگر سو به گسترش نقش اداری و اقتصادی در میان نخبگان حاکم که همان ژنرال‌های دیروز و تجار امروز بودند انجامید (el-naggar' 2009: 36).

مشکل اصلی که مصر در زمان انقلاب با آن مواجه بود عدم توازن بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی بود. توسعه اقتصادی که به صورت لیبرالیزاسیون در این کشور انجام می‌پذیرفت تنها شرایط آزاد نظارت قوه مقننه و قضائیه می‌تواند به درستی و بدون ایجاد فساد به پیش برود. اما در دوره حسنی مبارک، احکام قضایی در مورد نزدیکان حاکمیت اجرایی نمی‌شد (Guse, 2011). قوه مقننه خود به ابزاری برای پیشبرد اهداف غیرقانونی

اقتصادی و مالی تحت مصونیت مالی بود. در نتیجه افزایش فساد ناشی از توسعه اقتصادی بدون نظارت در مصر که نتیجه آن نرخ رشد اقتصادی ۷/۲ در سال ۲۰۰۸ به خوبی آن را نشان می‌دهد. اوضاع اقتصادی مصری‌ها نه تنها بهتر نشد بلکه با افزایش نرخ تورم و افزایش بیکاری، فشارهای اقتصادی افزایش یافت. در سال ۲۰۰۹ میزان بیکاری در جامعه مصر به حدود ۲۵ درصد افزایش یافت که اغلب جمعیت جوان مصر را در بر می‌گرفت و تورم در ۲۰۰۸ به ۱۸ درصد رسید (شرکه التدریب والتنمیة العالمیة، ۲۰۰۹: ۲۰).

این وضعیت اقتصادی در حالی در کشور مصر وجود داشت که این کشور همچون سایر کشورهای عربی با جهش جمعیت جوان روبه‌رو شود. به‌نحوی که جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سال بیش از یک‌سوم جمعیت آن را تشکیل می‌دادند. این گروه سنی از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طرد شده بود و در نتیجه به پیش‌تاز و محرک گروه‌های خواستار تغییر تبدیل شد.

در کشور مصر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی اعتراضات گسترده و انقلاب مردم با بحران توزیع ارتباط دارد. مصر دارای اقتصادی نسبتاً رو به رشدی بود یا حداقل اقتصاد آن‌ها به حد بحران نرسیده بود؛ به طور کلی می‌توان چنین گفت که، در مصر قبل از انقلاب در زمینه اقتصادی شرایط به گونه زیر بوده است:

- مصر جزء جوامع فقیر به حساب نمی‌آمد
- دولت این کشور دچار کاستی‌ها و ضعف‌هایی بود.
- برخی گروه‌ها احساس می‌کردند که سیاست‌های دولتی علیه منافع اقتصادی آن‌ها است.
- در تبلیغات انقلاب منافع اقتصادی به‌عنوان انگیزه انقلاب آشکارا مطرح نمی‌شود (Hellyer, 2011).

### ۳. شرایط سیاسی پیشا انقلابی در ایران و مصر

#### ۳-۱. ایران

۱- فساد اداری و بد کارکردی رژیم: شاه می‌کوشید طی دوران حکومت ۳۷ ساله خود، با تکیه بر پول نفت، ارتش ۷۰۰ هزار نفری، دستگاه‌های مخوف امنیتی همانند ساواک، ایجاد حکومت ترور، وحشت، شکنجه، اعدام و سرکوب گسترده و بی‌رحمانه مخالفین، انحصاری نمودن قدرت و امکانات کشور به گروهی خاص از جمله شبکه هزار فامیل، و بهره‌مندی از حمایت بی‌دریغ بیگانگان، به‌طور دائم کنترل خود را بر جامعه و سیاست ایران افزایش دهد. به‌این ترتیب، بحران سیاسی در سراسر کشور، سرکوب شدید، تمرکزگرایی

بیش از حد، مبارزه علنی با اسلام و اعتقادات مذهبی مردم، رواج ابتدال و بی‌بندوباری، فقدان آزادی کافی و احساس عمومی این مسئله که فساد حکومت به نحو غیر قابل‌تحملی فزونی گرفته، فراگیر شد (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۶۴۰).

۲- انشعاب در نخبگان و هیئت حاکمه: محمدرضا با دستگیری رهبران جبهه آزادی و تبعید امام خمینی به ترکیه مخالفان خود را از صحنه رقابت حذف کرد و بدین ترتیب از تبعیت بی‌چون و چرای احزاب و دولت، ارتش برخوردار شد. در ایران انشعاب درون سیستمی بین نخبگان وجود نداشت ولی به علت وابستگی سیاست‌های داخلی به آمریکا، حکومت محمدرضا پهلوی با دو طیف متفاوت از نخبگان برون سیستمی مواجه بود؛ از سویی برژینسکی خواستار اتخاذ رویه‌ای خشن از سوی شاه بود و از سوی دیگر، سولیوان خواهان یافتن راه حلی سیاسی متناسب با سیاست حقوق بشری آمریکا در راستای تحقق و حفظ منافع آمریکا بود (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

۳- فقدان اراده سرکوب: حکومت محمدرضا علاوه بر داشتن ارتش قوی، از حمایت سازمان مخوف ساواک نیز برخوردار بود. که نقش مهمی در سرکوب طلاب فیضیه قم در سال ۱۳۴۲ داشت (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۱۲-۲۰۹). اما بعد از روی کار آمدن کارتر در سال ۱۳۵۶ با تأکید بر سیاست‌های حقوق بشری خود به این موضوع اشاره کرد که حکومت‌هایی که قواعد حقوق بشر را زیر پا می‌گذارند از دریافت کمک و اسلحه یا هر دوی این‌ها از سوی آمریکا محروم خواهند بود و این در مورد ایران کاملاً صادق بود در واقع، نقش این متغیر خارجی منجر به عدم وجود تئوری مشروعیت بخش برای سرکوب حکومت محمدرضا پهلوی شد.

### ۳-۲. مصر

۱- فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان: سه دهه حکومت بلامنازع حسنی مبارک بر مصر باعث شده بود که اکثر مردم او را مسئول رنج‌ها و مشکلات خود تلقی کنند. بسیاری از نویسندگان اعم از نویسندگان معروف روزنامه‌های اپوزیسیون یا نویسندگان ناشناس مجلات دانشگاهی کشور، او را علت عقب‌ماندگی و فساد تلقی می‌کردند، گذشته از این ورود جمال مبارک به عرصه سیاسی و احتمال توارث در حکومت با توجه به فساد فراگیر جمال مبارک نیز به نارضایتی مردم دامن می‌زد (Osman'2011:186-187).



۲- ضعف و ناتوانی دستگاه سرکوب: با نزدیک شدن انقلاب، در اثر فشارهای بین‌المللی و سیاست‌های آمریکایی ضعف‌های رژیم در برابر معترضین آشکار شد. او با ما رئیس‌جمهور وقت امریکا در یکی از سخنرانی‌های خود در ابتدای فوریه ۲۰۱۱ به حمایت از معترضین مصر اشاره کرده و از تلاش‌های خود برای انجام اصلاحات سخن گفت و از وعده‌های حسنی مبارک به مردمش انتقاد کرد (Amin Azab, 2012: 33). علاوه بر آن، ارتش مصر در ابتدا اعتراضاتی علیه معترضین داشتند اما یک هفته بعد، از معترضین خواستند که میدان را ترک کنند و به خانه‌هایشان برگردند. ارتش در نهایت، به رغم محاسبات و منافع نهاد ارتش و تعاملاتش با حسنی مبارک به این نتیجه رسید که حسنی مبارک را وادار سازد که قدرت را واگذار نماید و چنین شد (دارا و کرمی، ۱۳۹۴: ۵۶).

۳- دموکراسی ظاهری، بحران مشروعیت: با استناد به نظریه مارینا اوتاوی در مورد «رژیم‌های اقتدارگرا»، رژیم حسنی مبارک در زمره این‌گونه نظام‌ها قرار داشته است؛ این رژیم‌ها مصمم‌اند که ظاهری از دموکراسی را حفظ کنند، بدون آنکه خودشان را در معرض مخاطرات سیاسی ناشی از رقابت آزاد قرار دهند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۷۱). حسنی مبارک ریاست جمهوری خود را در ابتدا با ظاهری مسالمت‌آمیز در مصر آغاز کرد و کوشید تا وانمود کند که مصر را به سمت دموکراسی رهنمون کرده است. اما حکومت وی در واقع با آمیزه‌ای از اقتدارگرایی و سرکوب، تکیه بر نهادهای صوری دموکراتیک و ایجاد محدودیت‌های زیاد برای طیف اپوزسیون و نهادهای مدنی همراه گردید (عسگرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳).

#### ۴. شرایط فرهنگی پیشا انقلابی در ایران و مصر

##### ۴-۱. ایران

همواره در طول تاریخ فرهنگ ایران از چهار عنصر بسیار مهم سرچشمه می‌گرفته است که نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم یا به صورت انفرادی به‌عنوان فرهنگ غالب در ایران دید. این چهار عامل عبارت‌اند از: جغرافیای سیاسی اجتماعی ایران (۵۰۰۰ سال)، تاریخ ایران (۲۵۰۰ سال)، دین اسلام (۱۴۰۰ سال) و زبان و ادبیات فارسی (۱۰۰۰ سال). محمدرضا شاه در سال ۱۳۴۱ با ارائه طرح لوایح شش‌گانه انقلاب سفید و برگزاری رفراندوم در همان سال و با کمک حامیان خارجی خود به صورت حساب شده‌ای سعی کرد فرهنگ جدیدی که بیشتر با حکومت و سیاست حکومت پهلوی بود را خلق کند که دو عنصر در آن بسیار پررنگ بود: فرهنگ غربی و فرهنگ ایران باستان. اقداماتی که شاه در راستای این سیاست

اتخاذ کرده بود همچون برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و جشن هنر شیراز، تغییر مبدأ هجری تاریخ به مبدأ شاهنشاهی، محو ساختن علائم دینی و مذهبی از آثار ادبی فارسی، مدل‌های لباس، موسیقی مبتذل، و بسیاری مسائل دیگر که ترویج می‌شد با روح فرهنگی اصیل جامعه ایران سازگار نبود (زیباکلام، ۱۳۷۲: ۳۷-۳۹). بالاخره، پس از چند دهه تلاش و آزمایش انواع سبک‌های روشنفکری (از تجددگرایی رادیکال گرفته تا گرایش‌های ملی‌گرا و چپ و لیبرال)، که رویکردی نسبتاً ستیزه‌جویانه با دین و فرهنگ سنتی و بومی ما داشت، در برهه زمانی ۱۳۴۰ برخی وقایع موجب بیداری و برانگیختگی ایده‌های دینی در بین روشنفکران ایرانی شد. جریان روشنفکری دینی با تمایلات مارکسیستی که در پی براندازی حکومت پهلوی بودند، عامل دیگر، جریان روشنفکری دینی به نمایندگی شریعتی که با مشی غیرمسلحانه به دنبال تغییر و استحاله حکومت بودند و جریان اسلام فقهاتی که در پی براندازی حکومت تئوری ولایت فقیه را ارائه داد (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۲۳۱-۲۱۰).

#### ۴-۲. مصر

یکی از گروه‌هایی که در جریان انقلاب مصر می‌توان ذیل گروه‌های فشار قرارداد گروه جوانان ۶ آوریل است. جنبش جوانان ۶ آوریل نخستین بار در فیس‌بوک صفحه‌ای برای حمایت از اعتصاب کارگران مصری باز کردند. این جنبش در رویدادهایی در دوره مبارک و پس از مبارک فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند و سعی کردند در انتخابات تأثیرگذار باشند (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). به‌رغم وجود احزاب و گروه‌های شناخته‌شده‌ای مانند اخوان المسلمین و حضور مخالفان و منتقدان سرشناس مانند البرادعی در جبهه مخالف مبارک جرقه حرکت ضد دولتی را جوانان ۶ آوریل زدند؛ دعوت اولیه برای برگزاری تظاهرات ۲۵ ژانویه از سوی این گروه صورت گرفت و بیشترین نیروی حاضر در خیابان‌های قاهره و سایر شهرهای مصر را همین افراد ناشناس تشکیل می‌دادند. با این حال، فقدان سازمان‌دهی و نوپا بودن این گروه مانع از تأثیرگذاری قابل توجه در روندهای سیاسی بعدی شد (Hussein, 2012, February 3). با توجه به نظر برینتون این گروه‌ها به دنبال مطرح کردن جهان بهتر و آرمانی هستند. جهانی که احساس می‌شود در زندگی همه انسان‌ها چیزی بهتر از سرنوشت فعلی آن‌ها وجود دارد و به مردم این باور را می‌دهد که نباید شرایط این‌گونه باشد و احساس نیاز به دنیایی بهتر را به تصویر می‌کشد. در انقلاب مصر نیز همچون انقلاب‌های کلاسیک این مهم به چشم می‌خورد. در مصر، آشکارا طبقه حاکم از نگهداشت خود بر قدرت عاجز بوده است (اسدی، ۱۳۹۲: ۳).

## ۵. مصر و ایران در دوران بعد انقلاب

### ۵-۱. نقش زور در ایران و مصر

#### ۵-۱-۱. ایران

شاه برای مهار جریان انقلاب، از شهریور ۱۳۵۷ با اعلام حکومت نظامی و تشکیل حکومت نظامی، آخرین حربه تعیین کننده را به میدان آورد. اما نیروهای مسلح شاهنشاهی به رغم برخورداری از سازوبرگ و سخت‌افزار نیرومند دارای آسیب‌پذیری‌هایی بود که به خوبی مورد استفاده نیروی زمینی متکی به پرسنل نظام وظیفه بود که تعهد جدی به حاکمیت نداشتند (گل محمدی، ۱۳۸۷: ۲۷). ثانیاً، روند تصمیم‌گیری در ارتش به شدت وابسته به شخص شاه بود و ستاد بزرگ ارتش و ستاد مشترک و وزیر جنگ و حتی نخست‌وزیر، عناصر تعیین کننده‌ای در غیاب شاه نبودند. ثالثاً، وجود انبوه مستشاران آمریکایی و حاکمیت روابط تبعیض آمیز میان بخش‌های مختلف ارتش و سلسله‌مراتب نظامیان از انسجام سازمانی ارتش می‌کاست (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۱۵). بخشی از پرسنل نیروهای مسلح به ویژه همافران، نیروی هوایی و ژاندارمری از وضعیت موجود ناراضی و خود گرایش‌های انقلابی داشتند. بیعت زود هنگام پرسنل نیروی هوایی با رهبر انقلاب (در ۱۹ بهمن ۵۷) و آغاز درگیر منجر به سقوط رژیم از درون این نیروها گواه مدعاست (فوران، ۱۳۸۲: ۴۶۲).

#### ۵-۱-۲. مصر

رژیم مبارک در ابتدا تلاش کرد تظاهرات مردمی و مخالفت گروه‌ها را کنترل و سرکوب نماید اما با گسترش اعتراضات به شهرهای بزرگ مصر، تظاهرات میلیونی مردم و ناتوانی رژیم در کنترل آن‌ها، بی‌طرفی نسبی ارتش و عدم توسل به سرکوب گسترده اعتراضات و همچنین افزایش فشارها و درخواست‌های بین‌المللی، حکومت مجبور شد امتیازاتی را به معترضان اعطا کند. انحلال کابینه و تشکیل دولت جدید به نخست‌وزیری احمد شفیق، منصوب کردن عمر سلیمان به سمت معاون رئیس‌جمهور، تعلیق فعالیت پارلمان مصر، وعده حرکت در جهت دموکراسی و اصلاحات اقتصادی، اعلام عدم کاندیداتوری مجدد در انتخابات ریاست جمهوری آینده از سوی حسنی مبارک و فرزندش جمال مبارک و سرانجام کناره‌گیری مبارک از قدرت مهم‌ترین واکنش‌ها و عقب‌نشینی‌های رژیم مصر در مقابل معترضان بودند (اسدی، ۱۳۹۲: ۳-۴).

## ۵-۲. ماه‌عسل در ایران و مصر

### ۵-۲-۱. ایران

در جمهوری اسلامی ایران از ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ که حضرت امام خمینی (ره) پس از کشف وقوس‌های فراوان با یکی از بزرگ‌ترین مراسم‌های استقبال مردمی وارد تهران شدند تا ۲۲ بهمن که انقلاب به پیروزی کامل دست یافت و دولت موقت حکومت را در دست گرفت را دره ماه‌عسل انقلاب می‌توان نامید. در این دوره کم‌کم نیروهای حکومتی و نظامی به جمع مردم پیوستند و سلاح‌ها را زمین گذاشتند و انقلاب رنگ و بوی واقعیت به خود گرفت.

### ۵-۲-۲. مصر

در کشور مصر در ۱۱ فوریه عمر سلیمان، معاون رئیس‌جمهوری مصر با قرائت بیانیه‌ای از تلویزیون مصر، خبر کناره‌گیری حسنی مبارک را از قدرت اعلام کرد. به گفته سلیمان، اختیارات مبارک به شورای عالی نیروهای مسلح واگذار می‌شود. شورای عالی نیروهای مسلح مصر در بیانیه شماره ۳ اعلام کرد هیچ جایگزینی برای اراده مردم مصر وجود ندارد. موج شادی و سرور در تمام مناطق مصر را در مورد سقوط رژیم حسنی مبارک پس از هجده روز تظاهرات و اعتصابات فراگرفت و ۸۰ میلیون مصری توانستند رهبرشان حسنی مبارک را طی ۱۸ روز از قدرت پایین بکشند (پورحسن، ۱۳۹۵: ۶۷). دوره ماه‌عسل در این کشور همانند انقلاب‌های کلاسیک کوتاه است. پس از سقوط رژیم پیشین در این انقلاب، رژیم جدید متشکل از جبهه‌ای مخالف رژیم پیشین که در درون آن گروه‌های متعددی وجود دارند بر سر کار می‌آید و قطعاً این دوره ماه‌عسل که در آن همه گروه‌های پیروز به جشن و پایکوبی می‌پردازند. چندان طولی نمی‌کشد و به زودی آزمون قدرت آغاز می‌گردد (عبدالحی، ۲۰۱۱).

## ۶. انقلابیون و سنخ‌شناسی آن‌ها در ایران و مصر

### ۶-۱. ایران

۱- نقش رهبری در ایران: رهبری امام خمینی به حدی از مشروعیت برخوردار بود که حتی جریان‌های غیرمذهبی از او به عنوان رهبر انقلاب یاد می‌کردند. ماکس وبر در یک تقسیم‌بندی، مشروعیت سیاسی را به سه بخش مشروعیت سیاسی را به سه بخش مشروعیت سنتی و کاریزماتیک و قانونی تقسیم می‌کند. بی‌تردید حضرت امام از رهبران منحصر به فردی بود که هر سه نوع مشروعیت را در حد بالای خود داشت. مقام مرجعیت، سیادت و

شیخیت برای ایشان مشروعیت سنتی را به دنبال داشت. گذشته از مشروعیت سنتی و کاریزماتیکی، ایشان فردی بود که مردم او را هم در زمان مبارزه با شاه و هم پس از پیروزی انقلاب به عنوان رهبری قانونی پذیرفته بودند. بی تردید رهبری و ساختارهای سنتی دینی در کانالیزه کردن کنش‌های سیاسی مردم علیه وضع موجود نقش محوری داشت (مکرم دوست، ۱۳۸۹: ۶۶).

۲- حامیان انقلاب در ایران: ایدئولوژی‌های مارکسیستی و لیبرالی توانستند تا حدی در شهرهای بزرگ و مراکز دانشگاهی نفوذ کنند. اما در سطح عموم جامعه در شهرهای کوچک و روستاها به دلیل بیگانگی با فرهنگ مذهبی مردم، چندان توفیقی نداشتند. پس از تبعید امام خمینی (ره) از ایران، ایدئولوژی اسلامی با تلاش‌های فکری اندیشمندانی چون مطهری، مفتاح، طالقانی، شریعتی و بازرگان به عنوان رقیبی جدی در برابر ایدئولوژی مارکسیستی و لیبرالی قرار گرفت. از این رو ایدئولوژی اسلامی قدرت بسیج‌گری نیروهای مذهبی را هم در سطح توده‌های مردمی و هم در سطح نخبگان و فرهیختگان افزایش داد (مکرم دوست، ۱۳۸۹: ۶۵).

## ۶-۲. مصر

جدول ۲- پایگاه اقتصادی و اجتماعی رهبران و توده انقلابیون مصر (منبع: نگارنده)

انقلابیون	خصوصیات
جوانان	همچون تشکل جوانان ششم آوریل، با سازمان‌دهی اولیه مبتنی بر شبکه‌های مجازی توانستند جرقه انقلاب را بزنند و تا نت‌های انقلاب به نقش آفرینی پرداختند. مهم‌ترین و اولین گروه در انقلاب مصر بودند.
احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا	دارای پیشینه و سازمان‌دهی و همچنین پایگاه اجتماعی مناسبی هستند و توانسته‌اند در تثبیت و نهادینه‌سازی جنبش‌ها در ساختارهای سیاسی نقش محوری داشته باشند مثل اخوان المسلمین و گروه‌های سلفی
احزاب و گروه‌های سنتی	شامل طیف متنوعی از جریان‌های سوسیالیستی و چپ، جریان‌های لیبرال دموکرات، گروه‌های قومی و یا جریان‌های ملی‌گرا هستند که از دهه‌های گذشته عمدتاً به‌عنوان احزاب اپوزیسیون در مصر فعال بوده‌اند

## ۷. فرمانروایی مکرر میانه‌روها و به قدرت نرسیدن تندروها در ایران و مصر

### ۷-۱. ایران

امام خمینی، در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان را مأمور تشکیل دولت موقت کرد. مردم، هم او را تأیید کردند. مهم‌ترین ویژگی‌های فکری و سیاسی بازرگان و دولت‌ش،